

بررسی عوامل مؤثر بر بیگانگی اجتماعی جوانان با تأکید بر عامل فساد ادراک شده

ربابه اصلانی^۱

صمد رسول زاده اقدام^۲

مهرداد محمدیان^۳

 10.22034/SSYS.2022.2038.2452

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۷/۱۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۲۶

بیگانگی اجتماعی با تأثیری که بر مشارکت مدنی، اعتماد و نشاط اجتماعی دارد، همواره محل پرسش جامعه‌شناسان بوده است. این پژوهش بر پایه نظریه گیدنز، بوردیو و روستاین با هدف مطالعه بیگانگی اجتماعی جوانان و نقش فساد ادراک شده در آن با روش پیمایش و استفاده از پرسشنامه محقق ساخته انجام شده است. جامعه آماری پژوهش شامل جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله استان اردبیل بود که با شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم و با استفاده از فرمول کوکران ۳۷۳ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. روایی و پایایی سازه‌های پرسشنامه با استفاده از نرم افزار PLS محاسبه شد که براساس مقدار AVE، پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ، پرسشنامه از روایی و پایایی مطلوبی برخوردار بود.

یافته‌ها نشان داد که سطح بیگانگی اجتماعی و فساد ادراک شده در بین جوانان استان اردبیل پایین‌تر از متوسط و تأثیر فساد ادراک شده بر بیگانگی اجتماعی معنادار است. همچنین، تأثیر فساد ادراک شده با مداخله متغیرهای سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی و با کنترل متغیرهای جمعیت‌شناختی

۱ - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، گروه جامعه‌شناسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی،

خلخال، ایران

۲- دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Samad1356@gmail.com

۳ - استادیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران

● بررسی عوامل مؤثر بر بیگانگی اجتماعی جوانان با تأکید بر عامل فساد ادراک شده

(جنسیت، تأهل و محل سکونت) در بیگانگی اجتماعی جوانان معنادار می باشد. شاخص‌های برازش مدل معادلات ساختاری نشان داد بین داده‌های تجربی با مدل مفهومی پژوهش همخوانی بالایی وجود دارد.

واژگان کلیدی: بیگانگی اجتماعی، فساد ادراک شده، جوانان، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی.



مقدمه

بیگانگی اجتماعی^۱ از مسائل اجتماعی است که به زعم صاحب نظران، مانع مشارکت اجتماعی و توسعه یافتگی جوامع و کاهش امنیت هستی شناختی افراد می شود. (روزنبرگ^۲، ۱۹۹۵؛ ساسول^۳، ۲۰۰۳؛ تسما^۴ و همکاران ۲۰۱۰؛ پونیا و بروال^۵ ۲۰۱۷؛ حسنی، ۱۳۸۹؛ حقیقتیان و همکاران، ۱۳۹۴ و امیر مظاهری و همکاران، ۱۳۹۷). جامعه شناسان و روانشناسان اجتماعی، بیگانگی را به گونه ای گسترده برای تبیین برخی از اشکال کنش ها و واکنش ها به جریانات اجتماعی و واقعیت های پیرامونی، فشارهای روانی و تحمیلات بیرونی و نیز توضیح انفصال فرد از نظام ارزش ها، باورها، هنجارها، اهداف فرهنگی و همچنین جهت اشاره به انفعال، بی علاقه‌گی و عدم مشارکت اجتماعی، سیاسی و صور آسیب شناختی مشارکت استفاده کرده اند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱: ۱۲۴). جامعه‌شناسان اشتراک نظر دارند که بیگانگی اجتماعی، انفکاک فرد از ارزش ها و معیارهای اجتماعی جامعه و بدبینی نسبت به آینده و اهداف تعریف شده آن است که ریشه در ساختارها و روابط اجتماعی دارد. (امیرکافی، ۱۳۷۴: ۸).

در جامعه امروزی عواملی چون: صنعتی شدن، توسعه فناوری، گسترش اقتصاد، سرمایه گذاری و توسعه ارتباطات و فرآورده‌های فرهنگی آن نه تنها زندگی مادی و اقتصادی مردم، بلکه هویت افراد را تحت تأثیر قرار داده است؛ به طوری که بسیاری از جوانان برای پاداش‌های فرهنگی جامعه ارزش لازم را قائل نیستند و به راحتی از فرهنگ‌های دیگر الگو می‌گیرند. این موارد همه نمایانگر ظهور نوع خاصی از بیگانگی افراد و جدایی آنها از نظام اجتماعی است (بنی فاطمه و رسولی، ۱۳۹۰: ۲). افراد بیگانه از ارزش ها و باورهای جامعه، زندگی را بی هدف و بی معنا یافته اند و با بریدن از خود و جامعه در معرض انواع آسیب های اجتماعی قرار می‌گیرد.

استان اردبیل به جهت برخورداری از ۲۶ درصد جمعیت جوان (۱۵ تا ۲۹ ساله) و تلقی جامعه منشوری به تعبیر ریگز (۱۹۶۴) به جهت تنوع فرهنگی بالا- تکرر زبانی (ترکی، کردی، تاتی و فارسی)، تکرر مذهبی (شیعه، سنی و اهل حق) و زندگی روستایی، عشایری و شهری، مرزنشینی مردم شش شهرستان و گسترش زندگی شهرنشینی در شهرهای استان، میدان اجتماعی مناسبی است تا وضعیت جوانان این استان در زمینه بیگانگی اجتماعی و عوامل تبیین کننده این مسئله اجتماعی مورد مطالعه قرار گیرد. از سوی دیگر، علی رغم انجام پژوهش های متعدد در مناطق مختلف ایران پیرامون مسئله بیگانگی اجتماعی، می توان گفت باتوجه به عمومیت احساس بیگانگی اجتماعی در بین جوانان و وابستگی آن به متغیرهای اجتماعی و فرهنگی، حائز اهمیت برای مطالعه تجربی است. یکی از عواملی که نگرش به باورها و ارزش های جامعه را تحت تأثیر قرار می دهد، پذیرش قواعد و هنجارهای اجتماعی است (حیدرآبادی، ۱۳۸۹: ۴۰). ظهور بدگمانی و داشتن بدبینی و سوءظن نسبت به ساختارها و معیارهای اجتماعی، تقویت کننده بیگانگی اجتماعی است. «فساد ادراک شده» به جهت ماهیت‌اش در افزایش بدبینی نسبت به ساختارها و نهادهای اجتماعی، یکی از عوامل اجتماعی است که به نظر می‌رسد در افزایش بی اعتمادی و عدم اطمینان به تعاملات بین

1. Social alienation
2. Rosenberg
3. Sasol
4. Tesma et al.
5. Pony & Berwal

● بررسی عوامل مؤثر بر بیگانگی اجتماعی جوانان با تأکید بر عامل فساد ادراک شده

فردی و ارزش های اجتماعی نقش داشته باشد. فساد از معضلات دیرینه جوامع بشری است که سابقه ای به درازای تاریخ بشر دارد. (رفیع پور، ۱۳۸۶) و حدود نیم قرن است که به دغدغه جهانی تبدیل شده است. نتایج نظرسنجی «بانک جهانی و شفافیت بین الملل» نشان می دهد در اغلب کشورها از جمله ایران، نه تنها هزینه های فساد پایین نیامده است، بلکه این پدیده به قوت خود باقی است و به نظر می رسد به مرور در حال افزایش است؛ به طوری که میانگین شاخص فساد (CPI) در بین سال های ۲۰۱۲-۲۰۱۷ برای ایران (۲۶ درصد) محاسبه شده است. این ارقام نشان می دهد ایران از جمله کشورهای جهان و منطقه خاورمیانه است که وضعیت مطلوبی در رتبه بندی مبارزه و پیشگیری از فساد ندارد (سایت شفافیت بین الملل). شواهد موجود نشان می دهد که یکی از مهم ترین هزینه ها و پیامدهای فساد، بیگانگی اجتماعی و گسست افراد از تعلقات اجتماعی و ارزش های حاکم بر جامعه است. فساد به دلیل نقشی که در برهم زدن نظم اخلاقی و زائل کردن مشروعیت حکومت ها و کاهش اعتماد اجتماعی دارد، در کانون توجه دولت ها و محققان قرار گرفته است. بدین ترتیب کنشگران اجتماعی با درک از فساد حاکم بر نظام سیاسی و نهاد های اجتماعی، از میزان اعتمادشان کاسته شده و تقاضای های غیرقانونی بیشتری را از نظام فاسد خواهند داشت؛ به طوری که صندوق بین المللی پول «فساد» را سوءاستفاده از مقام دولتی یا اعتماد، برای کسب منافع خصوصی تعریف می کند (IMF, 2005).

بنا به اهمیت پرداختن به مسئله بیگانگی اجتماعی این پژوهش درصدد پاسخ به این مسئله اساسی است:

وضعیت بیگانگی اجتماعی در بین جوانان استان اردبیل چگونه است و چه عوامل و زمینه هایی در پیدایش آن مؤثر است؟

پیشینه و ادبیات پژوهش

به دلیل اهمیت موضوع بیگانگی اجتماعی و فساد ادراک شده در بین محققان و جامعه شناسان، تحقیقات متعددی در این زمینه انجام شده است که در ادامه برای روشن تر شدن ابعاد بیگانگی اجتماعی و فساد ادراک شده و متغیرهای دخیل پیرامون این دو پدیده مهم اجتماعی به چندین پژوهش اشاره می شود:

رزم آهنگ و صادقی شاهدانی (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان «واکاوی رابطه بین فساد عینی و ادراکی با مؤلفه اعتماد اجتماعی تعمیم یافته» انجام دادند. آنها برای سنجش فساد عینی، داده های مربوط به پرونده های (اختلاس، ارتشا و جعل و صدور چک های برگشتی) در استان های کشور را بررسی کردند. همچنین برای سنجش فساد ذهنی و اعتماد اجتماعی تعمیم یافته، از گویه های موج اول پیمایش ارزش ها و نگرش های ایرانیان استفاده نمودند. نتیجه یافته ها نشان داد بین ادراک فساد و اعتماد تعمیم یافته رابطه معکوس وجود دارد.

دهقان و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی ارتباط و تأثیر ادراک فساد بر سرمایه اجتماعی» دریافته اند ادراک فساد و تمام ابعاد فساد ارتباط و تأثیر معکوس قوی و معناداری بر سرمایه اجتماعی دارد. براساس ضریب بتا، بیشترین تأثیر مستقیم را بعد ادراک فساد سیستمی بر سرمایه اجتماعی داشته است.

فاضلی و جلیلی (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «بررسی بین کشوری رابطه کیفیت حکومت، میزان فساد و سطح اعتماد نهادی و اجتماعی» با استفاده از داده های ثانویه انجام دادند. یافته های آنها نشان می دهد سطح اعتماد از کارایی حکومت و سطح فساد تأثیر می گیرد. همچنین، تأثیر سطح

فساد در جامعه بر اعتماد به نهادهای فرهنگی بیشتر از اعتماد به نهادهای حکومتی و اجتماعی و بر اعتماد اجتماعی بیشتر از اعتماد به نهادهای حکومتی است.

گو و آ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «فساد و سطوح توسعه اقتصادی: ارزیابی بین‌المللی با ارجاع ویژه به آفریقا» که در ۴۵ کشور آفریقایی انجام شد، دریافتند که رابطه بین وقوع واقعی فساد و توسعه اقتصادی نسبت به متغیرهای مختلف در حاکمیت، فرهنگ و توسعه اجتماعی بسیار حساس است و با وابستگی متقابل این عوامل مطابقت دارد. عاملی مهمی که فساد ادراک شده و واقعی را تبیین می‌کند، سیستم‌های حکمرانی یک کشور است که توسط نهادهای آزادی مطبوعات اندازه‌گیری می‌شود.

سی. هومینگ (۲۰۱۸) در پژوهشی با تأکید بر پیامدهای زیانبار فساد در سطوح مختلف و اثر عوامل اجتماعی در ادراک شهروندان از فساد، به دنبال سنجش ادراک جوانان اندونزی از فساد و انسجام اجتماعی بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که جوانان اندونزی درک درستی از انسجام اجتماعی ندارند. بیش از نیمی از پاسخگویان نتوانستند انسجام اجتماعی را تعریف کنند. پاسخگویانی که توانستند انسجام اجتماعی را تعریف کنند، مهمترین مؤلفه آن را اعتماد اجتماعی می‌دانستند و ادراک آنها از فساد از بین بردن حقوق دیگران بود.

ملقار و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان «مطالعه درک فساد در کشورهای اروپایی» دریافتند ادراک فساد امری اجتماعی است و با میزان فساد در سطح جامعه تفاوت دارد. همچنین ادراک فساد بر بی‌اعتمادی به نهادها و وخامت روابط بین افراد در موسسات تأثیر دارد. آنها عوامل فرهنگی و اقتصادی را در ادراک فساد مؤثر دانسته و متغیرهای بیکاری، شرکت در انجمن‌های مذهبی و کار در بخش خصوصی را در تأثیر ادراک فساد بر بی‌اعتمادی اجتماعی تأیید کردند.

بررسی پژوهش‌های انجام یافته قبلی در زمینه فساد ادراک شده و بیگانگی اجتماعی، حاکی از آن است که این مطالعات وجود برخی متغیرهای فردی و اجتماعی را در پیدایش آنها آشکار ساخته‌اند؛ با این حال نکاتی نیز در ارزیابی اعتبار درونی مطالعات پیشین حایز اهمیت است. مطالعات صورت گرفته در دهه‌های اخیر در زمینه فساد ادراک شده و بیگانگی اجتماعی هرچند باعث افزایش قابل توجه در دانش فعلی در مورد این دو متغیر است، اما هیچکدام از آنها این دو مسئله را در کنار همدیگر مورد تحلیل و بررسی قرار نداده‌اند. همچنین مطالعاتی که با موضوع بیگانگی اجتماعی صورت گرفته نشان می‌دهد پژوهشگران در تعریف عملیاتی بیگانگی اجتماعی یا ابعاد روانشناختی مفهوم را مد نظر قرار داده‌اند و یا آن را مترادف با خودبیگانگی لحاظ نموده‌اند؛ به عبارتی، تعریف شان از بیگانگی اجتماعی تعریف هگلی، فرومی، مارکسی، سیمنی و رایزمنی است. علاوه بر این، بررسی پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد امکان تعمیم یافته‌های پژوهش‌های قبلی به موقعیت‌های دیگر، مستلزم وجود تشابه بین موقعیت پژوهش و جامعه‌ای است که تعمیم به آن صورت می‌گیرد؛ به طوری که بیش‌تر پژوهش‌های مربوط به بیگانگی اجتماعی و فساد ادراک شده در جمعیت دانشجویان انجام شده‌اند. بنابراین تعمیم نتایج این پژوهش‌ها برای جامعه جوانان با محدودیت مواجه است. از سوی دیگر، در مطالعات مربوط به اثربخشی ادراک فساد بر بیگانگی اجتماعی متغیرهای مداخله‌گر، مورد ارزیابی قرار نگرفته و فقط نقش مستقل فساد بر بیگانگی اجتماعی مورد بررسی واقع شده است. لفظ بیگانگی^۱ در لغت نامه اکسفورد (۲۰۲۰) به معنای عدم ارتباط با دیگران، احساس غریبگی و فقدان حمایت و پشتیبانی یا پیوند اجتماعی معنادار به کار برده

می شود. بیگانگی اجتماعی، پدیده‌ای است که با سرخوردگی فرد از قوانین و نارضایتی از کارگزاران اجتماعی (کورنری، ۱۹۹۰) و تضاد بین آرمان‌های جامعه، از یک سو و واقعیت‌های اجتماعی، از سوی دیگر به وجود می‌آید (شیخاوندی، ۱۳۸۴). میچل^۱ معتقد است بیگانگی در تعریفی عام به معنای احساس انفصال، جدایی و عدم پیوند ذهنی و عینی بین فرد و محیط پیرامون او - جامعه، انسان‌های دیگری و خود - است. به نظر میچل موضوعات بیگانگی متعددند؛ بیگانگی از خود، بیگانگی از دیگران، بیگانگی از جامعه و نهادهای وابسته‌ای چون سیاست، خانواده، مذهب و... (میچل، ۱۹۵۶). بیگانگی آن گونه که به طور عمومی در علوم اجتماعی به کار برده می‌شود، به معنی گسستگی یا جدایی میان اجزا یا کل شخصیت از جنبه‌های مهم جهان تجربه است. این اصطلاح در معنای کلی می‌تواند اشاره به چند چیز داشته باشد: ۱- حالت عینی گسستگی یا جدایی؛ ۲- حالت احساس شخصیت بیگانه شده؛ ۳- حالت انگیزشی که به جدایی و گسستگی گرایش دارد (گولد و کولب^۲ ۱۳۷۶: ۱۷۰).

دوران ما را «دوران بیگانگی» نامیده‌اند. بر همین اساس نویسندگان مختلف در رشته‌های مختلف به این مفهوم پرداخته‌اند. در ادبیات کامو^۳ (۱۹۴۶)، در دین تیلیچ^۴ (۱۹۶۳) در فلسفه مارکوزه^۵ (۱۹۶۴)، سارتر^۶ (۱۹۵۶)، هگل^۷ (۱۹۷۰)، شاخ^۸ (۱۹۷۰)، در تتار پیراندلو^۹ (۱۹۵۲) و... (سیدنی، ۱۹۸۳: ۵-۳). تئوری‌های مرتبط با بیگانگی اجتماعی، با توجه به هدف این پژوهش به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف: تئوری‌های روانشناختی اجتماعی

از دیدگاه اندیشمندان علوم رفتاری و اجتماعی، بیگانگی مترادف با ناهنجاری روانی است. آنها با تأکید بر جنبه‌های روان اجتماعی بیگانگی، آن را اختلال و آشفتگی در شخصیت می‌دانند که فرد با تنفر و انزجار از خویش به نوعی نابسامانی شخصیتی مبتلا می‌شود. از جمله روانشناسانی که مفهوم بیگانگی را به صورت نظامند مورد مطالعه قرار داده‌اند، ملوین سیمن^{۱۰} و ادگار فردینبرگ^{۱۱} می‌باشند.

از نظر سیمن، بیگانگی وضعیتی است که هر فرد در رابطه با خود، دیگران و جامعه به اشکال مختلف بروز می‌دهد. سیمن پنج نوع احساس بیگانگی اجتماعی را از هم تمییز می‌دهد: ۱- احساس بی قدرتی که فرد احساس می‌کند در وضعیت‌های اجتماعی و کنش‌های متقابل خود، تأثیر گذار نیست؛ ۲- بی معنایی یا بی محتوایی: هنگامی است که فرد احساس می‌کند راهنمایی برای انتخاب سلوک و عقیده خود ندارد؛ ۳- بی هنجاری: هنگامی بروز می‌کند که فرد احساس نماید برای نایل شدن به اهداف خود، ابزار و وسایل نامشروع مورد نیاز است؛ ۴- انزوای اجتماعی: مبین انفصال فکری فرد از ارزش‌ها و هنجارهای استاندارد شده نظام اجتماعی است؛ ۵- از خودبیزاری یا نفرت

1. Mitchell
2. Gould & Kolb,
3. Albert Camus
4. Paul Johannes Tillich
5. Herbert Marcuse
6. Jean-Paul Sartre
7. Georg Wilhelm Friedrich Hegel
8. Kristiana Shakht
9. Luigi Pirandello
10. Melvin Seeman
11. Edgar Fridenberg

از خویشتن: حالتی است که فرد نسبت به احساس واقعی، علاقه‌ها و باورهایش بیگانه می‌شود (سیمن، ۱۹۵۹: ۷۸۳).

فردینبرگ (۱۹۲۱) دیگر روانشناس اجتماعی، بیگانگی را با نارضایتی مترادف دانسته، آن را عامل اصلی کنش‌های فرد در نظر می‌گیرد. به نظر فردینبرگ، این چنین احساس نارضایتی در فرد سبب می‌شود که وی به نوعی احساس انفصال و جدایی از موضوعات پیرامونی میل کند و با هر آنچه که قبلاً پیوندی داشته خود را جدا و منفک ببیند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۹: ۱۴۸). فردینبرگ در تحقیقات تجربی خود در باب علل بیگانگی نسل جوان، بر این فرض کلی تأکید دارد که فرد نارضایتی خود را به صورت رفتار منفصلانه و ناسازگارانه در قبال ارزش‌ها، هنجارها و ضوابط اجتماعی نهادی شده بروز داده، در مقابل آن ژستی دفاعی همراه با احساس نفرت، بدبینی، انفعال و بی‌تفاوتی نشان می‌دهد (فردینبرگ، ۱۹۸۳: ۶۳).

ب) تئوری‌های جامعه‌شناختی

مفهوم بیگانگی از آثار فیلسوفانی مانند هگل، مارکس^۱، کانت^۲ و مارکوزه به ادبیات جامعه‌شناسی وارد شد.

هگل براین باور است که همه انسان‌ها می‌خواهند آزاد باشند و از اراده خود تبعیت کنند، ولی ضرورتاً وارد اجتماع می‌شوند. زندگی اجتماعی به عنوان یک نیروی بیرونی بر افراد جامعه فشار آورده، سبب تقسیم کار می‌گردد. در نتیجه، افراد به حال خود باقی نمی‌مانند و «من» آنان به «ما» تبدیل می‌شود. این امر مستلزم بی‌خویشتنی و بیگانگی است (دریابندری، ۱۳۶۸: ۳۴۳).

مارکس، بیگانگی را محصول ساختارهای اجتماعی می‌داند و از منظر او مالکیت خصوصی، تقسیم کار و روابط اجتماعی تولید در نظام سرمایه‌داری مهمترین عوامل بیگانگی انسان از خود، کار، هم‌نوع و طبیعت است. به همین دلیل به اعتقاد مارکس، بیگانگی مبین انفصال و جدایی از خویش، جامعه و طبیعت است (مارکس، ۱۹۶۴: ۵).

امیل دورکیم^۳ (۱۸۵۸-۱۹۱۷) بنیانگذار جامعه‌شناسی، بیگانگی را مترادف با «بی‌هنجاری» قلمداد می‌کند که فرد به واسطه اختلالات اجتماعی از جمله انتقال جامعه از حالت انسجام مکانیکی به ارگانیکی نوعی اختلال در روابط و پیروزی از قواعد و ارزش‌های اجتماعی می‌شود. این امر ناتوانی، بی‌قدرتی و پوچی را در او در پی دارد (دورکیم، ۱۹۲۱).

هربرت مارکوزه در کتاب «انسان تک‌ساحتی، خلاقیت و اندیشه فردی را از میان می‌برد و او را تک‌ساحتی می‌نماید» (صبوری، ۱۳۹۷: ۵۸). «مفهوم بیگانگی را در ارتباط با مفهوم فناوری و در چارچوب صنعت فرهنگ تحلیل می‌کند. مارکوزه معتقد است: «از علل مهم به بند کشیده شدن انسان در نظام سرمایه‌داری، تبلیغ «نیازهای کاذب» با استفاده از فناوری و رسانه‌های جمعی است؛ به طوری که وسایل ارتباط جمعی و صنایع سرگرم‌کننده و وقت‌پرکن تالکوت پارسونز^۴ (۱۹۷۹-۱۹۰۲) جامعه‌شناس آمریکایی و پیرو مکتب اصالت واقعیت اجتماعی، بیگانگی را در تئوری نظام اجتماعی در مقابل هم‌نوعی به کار می‌گیرد و آن را در جذب شدگی در خرده‌نظام‌ها یا خرده فرهنگ‌های کوچکتر یا عدم جذب شدگی توسط آنها در جامعه مورد استفاده قرار می‌دهد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱).

1. Karl Marx
2. Immanuel Kant
3. Émile Durkheim
4. Talcott Parsons

آنتونی گیدنز^۱ با تلفیق نظریه های کلان، میانه و خرد در بحث امنیت وجودی^۲ معتقد است: «امنیت پدیده شناختی نیست، بلکه پدیده ای احساسی است و در ناخودآگاه فرد قرار دارد» (گیدنز، ۱۹۹۲). از نظر گیدنز، امنیت وجودی به وضعیت ذهنی راحت و مناسبی اشاره دارد که در آن فرد به فعالیت‌های بدیهی در محیطی آشنا و به همراه افراد دیگری که تهدیدی برای او به وجود نمی‌آورند، مشغول است. چنانچه فرد بازیگر و عامل به طور کلی توانایی ادامه فعالیت به دلیل اختلال در امنیت وجودی^۳ را از دست بدهد و با ناکامی مواجه شود، در چنین وضعیتی احساس درماندگی، بی‌ثباتی، هراس و سردرگمی خواهد داشت (استونز^۴، ۱۳۹۳: ۴۳۱).

روستاین و استول^۵ (۲۰۱۲) در تئوری اعتماد نهادمحور، معتقد است اعتماد محصول کیفیت نهادهاست (۲۰۰۵: ۴۵) و میزان سرمایه اجتماعی، ریشه در طراحی نهادهای سیاسی و مدیریتی دارد. عامل علی در این رابطه، درجه عام‌گرایی و فراگیری نهادهاست؛ یعنی به هر میزانی که رفتار نهادها بر زمینه ای عینی، بی‌طرفانه، بدون تبعیض و عادلانه استوار باشد، سرمایه اجتماعی بیشتری تولید خواهد شد (روستاین، ۱۳۹۳: ۲۱۹). اگر نهادهای عمومی فاسد سبب شوند مردم زندگی را فاسد تفسیر کنند، امکان رشد اعتماد اجتماعی وجود نخواهد داشت (روستاین، ۱۳۹۳: ۶۱).

فضای مفهومی فساد ادراک شده

ریشه فساد از فعل لاتین "Rumpere" به معنا شکستن است. بنابراین، در فساد چیزی می‌شکند یا نقض می‌شود (کیانی منش، ۱۳۸۶: ۲۷). اگرچه تعاریف مختلف زیادی از فساد ارائه شده است، اما وجه مشترک تمام این تعاریف آن است که در محیط فاسد، حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شهروندان نادیده گرفته می‌شود یا حق مسلم فرد یا گروهی به آسانی پایمال یا به ناحق به دیگری یا دیگران واگذار می‌گردد (فرچ‌پور، ۱۳۸۳: ۹). فساد یکی از مظاهر رفتار ضد اجتماعی است که مزایایی را خارج از قاعده و برخلاف هنجارهای اخلاقی و قانونی به مرتکبین خود می‌دهد و در مقابل قدرت بهبود شرایط زندگی سایرین را تضعیف می‌کند (ربیبی، ۱۳۸۳: ۲۹). در مورد تعریف فساد ادراک شده هیچ اجماعی وجود ندارد، ولی آنچه در بیشتر پژوهش‌ها بدان اشاره شده است، فرهنگی-اجتماعی بودن این پدیده است. بیشتر افراد، فساد را به مثابه واقعیتی از زندگی که در همه جا هست درک می‌کنند، اما به این مسئله توجه نمی‌کنند که خودشان هم در آن غوطه‌ور هستند یا نه یا اصلاً می‌خواهند کاری در مورد آن انجام دهند. افشاگری‌ها به ندرت موجب شگفتی مردم می‌شوند، مگر آن که رسوایی‌های به بار آمده آن چنان فاحش و مشکوک باشند که قدری به آنها توجه شود-البته باز هم از شنیدن آنها شوکه نخواهند شد. (دوگراف^۶ و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۳). در هر حال ادراک از فساد به معنی تصور و نگرش افراد جامعه به وضعیت فساد و مصادیق آن است. مفهوم فساد مانند بقیه مفاهیم اجتماعی تاریخمند و مشروط است و در گذر زمان و در بین بافت‌های گفتگویی به صورت‌های مختلف تعریف و برداشت می‌شود. از آنجا که گفتمان، سازنده واقعیت است، با نحوه گفتار و نوشتار مردم می‌توان به واقعیت‌های اجتماعی معنا بخشید و افق نگاه افراد را نسبت به پدیده‌های اجتماعی از جمله فساد کشف نمود.

1. Anthony Giddens
2. Ontological security
3. Existential security
4. Rob Stones
5. Rothstein and Stoll
6. Graf

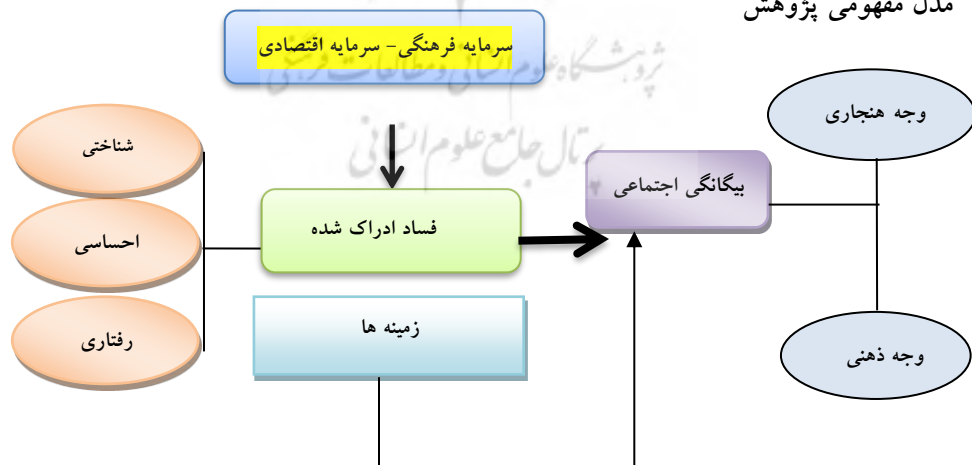
چارچوب نظری پژوهش

برای فرمول بندی متغیر فساد ادراک شده و نقش آن در بیگانگی اجتماعی، تئوری های روانشناسی اجتماعی و نظریه های جامعه شناختی باهمدیگر ادغام و چارچوب نظری پژوهش تدوین می شود.

براساس ادبیات پژوهش، بیگانگی اجتماعی تصور و پنداشتی است که با نگرش و داوری منفی فرد نسبت به ارزش ها و معیارهای حاکم بر جامعه از طریق تصور از توزیع ناعادلانه منابع و رویه غیرمنصفانه در تصمیم گیری های کارگزاران و صاحب منصبان دولتی شکل می گیرد. به عبارتی، فرد با نارضایتی از فساد حاکم بر جامعه، توانایی کنترل و مبارزه با قانون گریزی ها را ندارد و در برابر قواعد و نهادهای فسادزای جامعه منفعلانه عمل می کند.

از نظر دورکیم، پارسونز و مرتن، با ناکارآمدی نهادها و خرده نظام های اجتماعی، آنومی فردی و اجتماعی شکل می گیرد. در صورتی که نهادهای اجتماعی و قواعد حاکم بر آن مشروعیت خود را- به واسطه فساد- از دست بدهد، بالتبع ضمانت اجرایی برای تنظیم قوانین و مقررات را هم از کف می هد. بنابراین فرایند پیوند و انسجام اجتماعی کاهش می یابد. همان گونه که روئستاین نیز بیان می کند، نهادهای موجود جامعه، عامل ایجاد و تخریب اعتماد هستند. نهادها چه به لحاظ ذهنی و چه به لحاظ عینی اگر نتوانند اعتماد لازم را برای افراد خود فراهم سازند موجب نارضایتی و به تعبیر بوردیو توضیح «اعتماد تعمیم یافته» می شوند. گیدنز نیز همسو با این نظریه در تئوری «امنیت وجودی»، ساختار را عامل اطمینان بخش، احساس ایمنی و امید فرد به آینده می داند که موجب آرامش روانی و مصونیت احساسی در برابر تشویش ها و اضطراب ها می شود. چنانچه فرد ساختارها و قواعد حاکم را سبب خدشه و تهدید اعتماد و اطمینان فرض نماید، احساس ذهنی فرد مخدوش شده و به سمت انزوایی پیش خواهد رفت. باتوجه به مطالب بیان شده، در صورتی که نهادهای اجتماعی کارکرد مشروعیت زایی خود را با گسترش شبکه های فساد ساختاری از دست بدهند و از سوپی فرد به این نتیجه برسد که امکان تغییر وضعیت موجود را ندارد، دچار سرخوردگی، نارضایتی و یأس می شود و به سمت جبهه گیری، سکوت، انتقاد و طغیان برعلیه معیارهای تنظیم کننده رفتارهای انسجام بخش جامعه رو خواهد کرد.

مدل مفهومی پژوهش



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش فرضیه های پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- فساد ادراک شده در بیگانگی اجتماعی جوانان استان اردبیل مؤثر است.
- ۲- با دخالت متغیر مداخله‌گر سرمایه فرهنگی، فساد ادراک شده بر بیگانگی اجتماعی مؤثر است.
- ۳- با دخالت متغیر مداخله‌گر سرمایه اقتصادی، فساد ادراک شده بر بیگانگی اجتماعی مؤثر است.
- ۴- با کنترل متغیر جنسیت، فساد ادراک شده بر بیگانگی اجتماعی مؤثر است.
- ۵- با کنترل متغیر تأهل، فساد ادراک شده بر بیگانگی اجتماعی مؤثر است.
- ۶- با کنترل متغیر محل سکونت، فساد ادراک شده بر بیگانگی اجتماعی مؤثر است.

روش شناسی پژوهش

روش این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از جهت گردآوری داده‌ها روش پیمایش می‌باشد. جامعه آماری تحقیق را جوانان استان اردبیل تشکیل می‌دادند که براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ جمعیت جوان (۱۴ تا ۲۹ ساله) استان اردبیل، ۱۴۰۰۴۷ نفر بود. باتوجه به پراکندگی جمعیت استان در بین شهرستان‌ها مناسب‌ترین روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم بود که با استفاده از فرمول کوکران ۳۴۰ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین شد. گفتنی است که باتوجه به عدم برگشت تعداد ۶ پرسشنامه، ۳۳۶ پرسشنامه مبنای تحلیل داده‌ها قرار گرفت. (جدول ۱)

جدول ۱. جمعیت جوانان شهرستان‌های تابعه و تعداد پرسشنامه‌های اختصاص یافته به هر شهرستان

نام شهرستان	تعداد جمعیت گروه سنی ۱۴-۲۹ سال به بالا	تعداد پرسشنامه‌های اختصاص یافته به هر شهرستان
اردبیل	۶۷۴۲۰	۱۳۰
بيله سوار	۲۷۷۶	۲۰
خلخال	۶۱۸۸	۲۵
پارس آباد	۱۴۰۴۰	۵۰
کوثر	۹۱۵	۲۰
گرمی	۴۲۱۰	۲۴
مشکین شهر	۱۰۴۷۲	۳۶
نمین	۲۳۴۵	۲۲
نیر	۹۵۱	۲۳
سرعین	۷۳۰	۲۳
جمع	۱۱۰۰۴۷	۳۷۳

به منظور گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. پرسشنامه در چهار بخش تنظیم گردید: ۱- بخش جمعیت شناختی؛ ۲- سوالات مربوط به بیگانگی اجتماعی؛ ۳- سوالات مربوط به فساد ادراک شده؛ ۴- سوالات مربوط به متغیرهای مداخله‌گر. برای سنجش متغیر بیگانگی اجتماعی ابتدا دو بعد (عاطفی- ذهنی و رفتاری- هنجاری) در نظر گرفته شد. سپس برای بعد عاطفی- ذهنی ۹ گویه و برای سنجش بعد رفتاری- هنجاری ۴ گویه در قالب طیف لیکرت پنج گزینه‌ای (خیلی زیاد=۵ تا ۱=خیلی کم) طراحی گردید. همچنین برای سنجش متغیر فساد ادراک

شده سه بعد در نظر گرفته شد: ۱- بعد شناختی؛ ۲- بعد نگرشی؛ ۳- بعد رفتاری. برای سنجش بعد شناختی ۶ گویه، در قالب طیف لیکرت پنج گزینه ای (خیلی زیاد=۵ تا ۱=خیلی کم)، برای بعد رفتاری ۶ گویه در قالب طیف لیکرت پنج گزینه ای (کاملاً موافقم=۵ تا ۱=کاملاً مخالفم) و برای سنجش بعد نگرشی احساس پاسخگویی نسبت به اختلاس، رشوه و پارتی بازی سه گزینه (حس تنفر، حس مثبت و بی تفاوت) مورد سنجش قرار گرفت. برای سنجش سرمایه فرهنگی به عنوان متغیر مداخله گر پژوهش، براساس نظریه بوردیو سه بعد سرمایه فرهنگی تجسم یافته، سرمایه فرهنگی عینیت یافته و سرمایه فرهنگی نهادینه شده در نظر گرفته شد. «سرمایه فرهنگی تجسم یافته»، با پرسش از توانایی افراد در طراحی، نقاشی، مهارت در به کارگیری کامپیوتر و تسلط به زبان خارجی، در قالب طیف لیکرت پنج وجهی (خیلی زیاد=۵، خیلی کم=۱)، «سرمایه فرهنگی عینیت یافته» با سوال از میزان مطالعه کتاب، مقاله، مجلات و...، در اوقات مختلف (ساعت، روزانه و هفته) و «سرمایه فرهنگی نهادینه شده» با پرسش از سطح تحصیلات خود، پدر و مادر، داشتن گواهینامه‌های فنی- حرفه ای مورد سنجش قرار گرفت. سنجش متغیر مداخله گر سرمایه اقتصادی، با سؤال از درآمد خانواده، ارزش وسیله نقلیه، ارزش منزل مسکونی و وضعیت منزل مسکونی (شخصی، سازمانی، استیجاری و رهن) عملیاتی شد.

ارزیابی روایی پرسشنامه با استفاده از معیار روایی همگرا^۱ انجام شد. آزمون پایایی سازه ها نیز با استفاده از شاخص آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی (CR²) مشخص شد که در جدول ۲، مقادیر هر کدام آورده شده است.:

جدول ۲. روایی و پایایی سازه ها

سازه	ابعاد	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی (CR > 0/7)	میانگین واریانس استخراج شده (AVE) (> 0/5)	ضرایب مسیر	تعداد گویه
سازمانی- اجتماعی	عاطفی - ذهنی	۰/۹۴۵	۰/۹۵۴	۰/۶۶۹	۰/۳۸۶	۹
	رفتاری - هنجاری	۰/۹۱۱	۰/۹۳۸	۰/۷۹۱	۰/۶۱۶	۴
فساد ادراکی	نگرشی	۰/۸۴۰	۰/۹۰۵	۰/۷۶۲	۰/۱۵۳	۳
	رفتاری	۰/۹۴۹	۰/۹۶۱	۰/۸۳۳	۰/۳۸۸	۶
سرمایه فرهنگی	شناختی	۰/۹۱۲	۰/۹۳۲	۰/۶۹۸	۰/۴۸۳	۶
	عینیت یافته	۰/۹۴۷	۰/۹۶۶	۰/۹۰۴	۰/۳۵۴	۳
سرمایه فرهنگی	تجسم یافته	۰/۹۳۹	۰/۹۶۱	۰/۸۹۲	۰/۳۷۱	۳
	نهادینه شده	۰/۸۲۱	۰/۸۹۶	۰/۷۴۳	۰/۳۶۱	۳

1. Convergent Validity
2. Composite Reliability

براساس مقادیر جدول ۲، برای سنجش روایی همگرایی مدل از میانگین واریانس استخراج شده (AVE) استفاده شد که مقدار آن، بیش از ۰/۵ برای همه سازه‌ها (بیگانگی اجتماعی، فساد ادراک شده و سرمایه فرهنگی) گزارش شد و نشان داد که مدل در حد قابل قبول می‌باشد. همچنین، برای تعیین پایایی ابزار از آزمون آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی (CR) استفاده شد که با توجه به بزرگتر بودن CR از AVE و مقدار بالای آلفای کرونباخ و CR از ۰/۷ برای همه سازه‌ها، ابزار سنجش از پایایی مطلوبی برخوردار است.

یافته‌های پژوهش

براساس اطلاعات جمع‌آوری شده، ۴۳ درصد (۱۵۸ نفر) پاسخگویان مرد و ۵۷ درصد (۲۰۹ نفر) زن هستند. ۵۳ درصد (۱۹۴ نفر) پاسخگویان مجرد و ۴۷ درصد (۱۷۳ نفر) متأهل می‌باشد. همچنین ۳۳ درصد (۱۲۱ نفر) پاسخگویان دارای سطح تحصیلات زیردیپلم، ۲۸ درصد (۱۰۴ نفر) دیپلم، ۱۴ درصد (۵۲ نفر) فوق‌دیپلم، ۱۵ درصد (۵۴ نفر) لیسانس و ۱۰ درصد فوق لیسانس (۳۶ نفر) می‌باشند. همچنین، ۷۳ درصد پاسخگویان در شهر و ۲۸ درصد آنها در روستا سکونت دارند.

جدول تقاطعی ۳. توزیع درصد نسبی و فراوانی مطلق بیگانگی اجتماعی براساس متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	بیگانگی اجتماعی		
	پایین	بالا	جمع فراوانی
فساد ادراک شده	پایین	۸۴٪	۲۲۵
	بالا	۲٪	۱۴۲
سرمایه اقتصادی	پایین	۲٪	۱۴۲
	بالا	۸۴٪	۲۲۵
سرمایه فرهنگی	پایین	۹۱٪	۱۸۹
	بالا	۱۱٪	۱۷۸
جنسیت	مرد	۳۰٪	۱۵۸
	زن	۶۹٪	۲۰۹
تاهل	مجرد	۱۷٪	۱۹۴
	متاهل	۹۰٪	۱۷۳
محل سکونت	شهر	۴۳٪	۲۶۳
	روستا	۷۶٪	۱۰۴
جمع	تعداد	۱۹۲	۳۶۷
	درصد نسبی	۵۲/۳	٪۱۰۰

براساس مقادیر جدول ۳، توزیع درصد نسبی و فراوانی مطلق بیگانگی اجتماعی در بین پاسخگویان به نحوی است که سطح ۵۲/۳ درصد (۱۹۲ نفر) آنها پایین و ۴۷/۷ درصد (۱۷۵) بالاست. توزیع بیگانگی اجتماعی برحسب فساد ادراک شده نشان می‌دهد از مجموع افرادی که سطح فساد ادراک شده آنها (۱۹۲ نفر) در سطح پایین بوده، سطح بیگانگی اجتماعی (۸۴ درصد) آنها هم پایین است. در مقابل، از مجموع پاسخگویانی که سطح ادراک فساد آنها هم بالا بوده (۱۴۲ نفر)، سطح بیگانگی اجتماعی (۹۸ درصد) آنها بالاست. به عبارتی، با افزایش میزان ادراک فساد، سطح بیگانگی اجتماعی افزایش می‌یابد و برعکس با کاهش میزان درک از فساد، سطح بیگانگی اجتماعی نیز کمتر می‌شود.

همچنین افرادی که از سرمایه اقتصادی بالایی برخوردارند (۲۲۵ نفر) سطح بیگانگی اجتماعی آنها پایین است (۸۴ درصد). این نسبت در بین کسانی که از سرمایه فرهنگی بالایی برخوردار هستند (۱۷۸ نفر) برعکس است. به عبارتی، با افزایش سرمایه فرهنگی سطح بیگانگی اجتماعی افزایش می یابد (۸۹ درصد).

توزیع بیگانگی اجتماعی بر اساس متغیرهای جمعیت شناختی به نحوی است که سطح بیگانگی اجتماعی مردان، افراد مجرد و شهرنشینان، بیش از زنان، متأهلان و روستائینان هستند.

تحلیل فرضیه اول: فساد ادراک شده در بیگانگی اجتماعی جوانان استان اردبیل مؤثر است. برای تبیین نقش متغیر فساد ادراک شده بر بیگانگی اجتماعی جوانان استان اردبیل از تحلیل رگرسیون استفاده شد:

جدول ۴. میزان واریانس، ضرایب رگرسیون

میزان r^2	میزان F	سطح معناداری F	میزان R^2 ضریب تعیین تعدیل شده
۰/۸۵۸	۱۰۲۱/۷۵۶	۰/۰۰۰	۰/۷۳۶

با عنایت به نتایج جدول ۴، میزان F و سطح معناداری آن، وجود رابطه خطی بین متغیرها را تأیید می کند. با توجه به ضریب R میزان همبستگی بین دو متغیر بیگانگی اجتماعی جوانان استان اردبیل و فساد ادراک شده ۰/۸۵۸ می باشد. ضریب تعدیل شده R^2 با دقت بیشتری میزان تغییرات بیگانگی اجتماعی را ۷۳ درصد بیان می کند. به عبارتی، به ازای یک واحد تغییر در فساد ادراک شده، میزان بیگانگی اجتماعی آنها ۷۳ درصد تغییر می یابد.

جدول ۵. ضرایب B و β فساد ادراک شده و بیگانگی اجتماعی

مدل	میزان B	میزان β	میزان t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۵/۱۶۱		۲/۹۶۴	۰/۰۰۰
فساد ادراک شده	۱/۵۶۰	۰/۸۵۸	۳۱/۹۶۵	۰/۰۰۰

بر اساس جدول ۵، میزان بتای متغیر فساد ادراک شده برای پیش بینی بیگانگی اجتماعی ($\beta=۰/۸۵۸$) گزارش شده است. به عبارتی، متغیر فساد ادراک شده ۸۵ درصد در پیش بینی بیگانگی اجتماعی نقش دارد.

معادله رگرسیون را می توان با استفاده از ستون B به منظور پیش بینی بیگانگی اجتماعی بدین شیوه محاسبه کرد:

$$\text{فساد ادراک شده} = ۱/۵۶۰ + ۵/۱۶۱ = \text{بیگانگی اجتماعی}$$

تحلیل فرضیه دوم: با دخالت متغیر مداخله گر سرمایه فرهنگی، فساد ادراک شده بر بیگانگی اجتماعی مؤثر است.

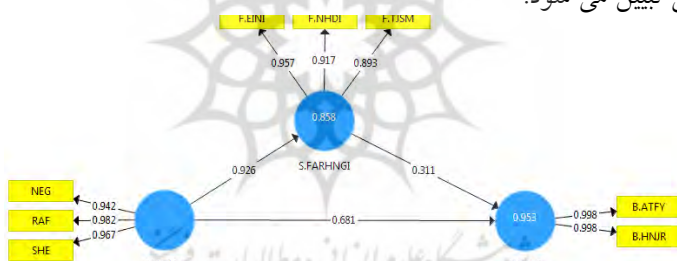
در پژوهش های دارای فرضیه های مداخله گر، متغیر X از طریق متغیر M روی متغیر وابسته Y تأثیر می گذارد. در مدل فرضیه دوم نیز همان طور که در شکل ۱ نمایش داده می شود، نقش فساد ادراک شده از طریق سرمایه فرهنگی روی متغیر بیگانگی اجتماعی با نرم افزار Smart PLS مورد تحلیل قرار گرفته است.

نقش مداخله گر متغیر M از طریق ضریب اثر غیرمستقیم اندازه‌گیری می‌شود. هر چند می‌توان از راه بررسی معناداری ضرایب b^1 و a^2 به آزمون فرضیه میانجی پرداخت، اما این روش توان آماری پایینی دارد. مناسب‌ترین روش این است که به صورت مستقیم معناداری ضریب ab آزمون شود. یکی از پرکاربردترین روش‌ها برای این منظور آزمون سوبل^۳ است. آزمون سوبل رویکرد حاصل ضرب ضرایب، روش دلتا یا رویکرد نظریه نرمال هم نامیده شده است. آزمون سوبل برای انجام استنباط در مورد ضریب اثر غیر مستقیم ab ، بر همان نظریه استنباط مورد استفاده برای اثر مستقیم مبتنی است. (مهر آرا و همکاران، ۱۳۹۷) در آزمون سوبل، یک مقدار Z -Value در صورت بیشتر شدن از مقدار $1/96$ می‌توان در سطح اطمینان ۹۵ درصد، معنادار بودن تأثیر مداخله‌گر یک متغیر را تأیید کرد.

جدول ۶. مقادیر آزمون سوبل برای متغیر مداخله گر سرمایه فرهنگی

متغیر	Value	SE	Z	p
آزمون سوبل	۰/۲۸۸	۰/۰۳۲	۹/۶۶۰	۰/۰۰۰

همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، مقدار Z -Value حاصل از آزمون سوبل برابر با $9/660$ می‌باشد. به دلیل بیشتر بودن این مقدار از $1/96$ می‌توان اظهار داشت که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، تأثیر متغیر سرمایه فرهنگی در رابطه بین فساد ادراک شده و بیگانگی اجتماعی معنادار است. همچنین اثر غیرمستقیم ویژه Value برابر با $0/288$ می‌باشد که نشان می‌دهد تقریباً بیش از ۲۸ درصد از اثر کل فساد ادراک شده بر بیگانگی اجتماعی از طریق غیرمستقیم با دخالت متغیر سرمایه فرهنگی تبیین می‌شود.



شکل ۱. مدل ترسیم شده و ضرایب مسیر با مداخله متغیر سرمایه فرهنگی

تحلیل فرضیه سوم: با دخالت متغیر مداخله‌گر سرمایه اقتصادی، فساد ادراک شده بر بیگانگی اجتماعی مؤثر است.

همان‌طور که در تحلیل فرضیه دوم پژوهش گفته شد، برای تعیین میزان تأثیر فساد ادراک شده با دخالت سرمایه اقتصادی در بیگانگی اجتماعی مناسب‌ترین آزمون، آزمون سوبل است.

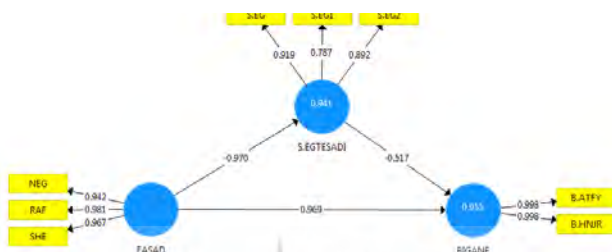
جدول ۷. مقادیر آزمون سوبل برای متغیر مداخله گر سرمایه اقتصادی

متغیر	Value	SE	Z	p
آزمون سوبل	-۰/۵۰۱	۰/۰۳۶	۱۳/۹۰۷	۰/۰۰۰

۱- مقدار ضریب مسیر بین متغیر مداخله گر و وابسته

۲- مقدار ضریب مسیر بین متغیر مستقل و مداخله گر

همان طور که در جدول ۷ مشاهده می شود، مقدار Z-Value حاصل از آزمون سو بل برابر با ۱۳/۹۰۷ می باشد. به دلیل بیشتر بودن این مقدار از ۱/۹۶ می توان اظهار داشت که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، تأثیر متغیر سرمایه اقتصادی در رابطه بین فساد ادراک شده و بیگانگی اجتماعی معنادار است. همچنین اثر غیرمستقیم ویژه Value برابر با ۰/۵۰۱- می باشد که نشان می دهد تقریباً بیش از ۵۰ درصد از اثر کل فساد ادراک شده بر بیگانگی اجتماعی از طریق غیرمستقیم با دخالت متغیر سرمایه اقتصادی تبیین می شود. معکوس بودن مقدار ویژه گویای این نکته است که با افزایش میزان سرمایه اقتصادی، فساد ادراک شده و بیگانگی اجتماعی افراد کاسته می شود.



شکل ۲. مدل ترسیم شده و ضرایب مسیر با مداخله متغیر سرمایه اقتصادی

تحلیل فرضیه چهارم: با کنترل متغیر جنسیت، میزان فساد ادراک شده بر بیگانگی اجتماعی مؤثر است.

برای بررسی میزان تأثیر خالص فساد ادراک شده بر بیگانگی اجتماعی با کنترل متغیر زمینه‌ای جنسیت، از آزمون همبستگی جزئی^۱ استفاده شد:

جدول ۸. آزمون همبستگی جزئی با کنترل متغیر جنسیت

متغیر	بیگانگی اجتماعی	سطح معناداری
فساد ادراک شده	۰/۸۵۸	۰/۰۰۰
جنسیت	-۰/۳۰۸	۰/۰۰۰
فساد ادراک شده * جنسیت * بیگانگی اجتماعی	۰/۸۴۷	۰/۰۰۰

بر اساس جدول ۸، نتیجه آزمون همبستگی جزئی نشان می دهد همبستگی فساد ادراک شده بر بیگانگی اجتماعی قبل از کنترل اثر متغیر جنسیت (۰/۸۵۸) می باشد، اما با کنترل اثر متغیر جنسیت، اثر خالص فساد ادراک شده ۰/۸۴۷ تعیین شد. با توجه به سطح معناداری ضریب همبستگی جزئی (P=۰/۰۰۰) فرضیه چهارم پژوهش مبنی بر تأثیر فساد ادراک شده بر بیگانگی اجتماعی جوانان با کنترل متغیر جنسیت تأیید می شود.

تحلیل فرضیه پنجم: با کنترل متغیر تأهل، فساد ادراک شده بر بیگانگی اجتماعی مؤثر است. برای بررسی میزان تأثیر خالص فساد ادراک شده بر بیگانگی اجتماعی با کنترل متغیر زمینه‌ای تأهل، از آزمون همبستگی جزئی استفاده شد:

جدول ۹. آزمون همبستگی جزئی با کنترل متغیر تأهل

متغیر	بیگانگی اجتماعی	سطح معناداری
فساد ادراک شده	۰/۸۵۸	۰/۰۰۰
تأهل	-۰/۶۹۰	۰/۰۰۰
فساد ادراک شده * تأهل * بیگانگی اجتماعی	۰/۷۲۰	۰/۰۰۰

بر اساس جدول ۹، نتیجه آزمون همبستگی جزئی نشان می دهد همبستگی فساد ادراک شده بر بیگانگی اجتماعی قبل از کنترل اثر متغیر تأهل (۰/۸۵۸) می باشد، اما با کنترل اثر متغیر تأهل، اثر خالص فساد ادراک شده ۰/۷۲۰ تعیین شد. به عبارتی، در حالت عادی نقش فساد ادراک شده بر بیگانگی اجتماعی جوانان ۸۵ درصد بوده که با کنترل اثر متغیر تأهل، میزان اثر خالص به ۷۲ درصد رسیده است. باتوجه به سطح معناداری ضریب همبستگی جزئی ($P=0/000$) فرضیه پنجم پژوهش مبنی بر تأثیر فساد ادراک شده بر بیگانگی اجتماعی جوانان با کنترل متغیر تأهل تأیید می شود.

تحلیل فرضیه ششم: با کنترل متغیر محل سکونت، فساد ادراک شده بر بیگانگی اجتماعی مؤثر است.

برای بررسی میزان نقش فساد ادراک شده بر بیگانگی اجتماعی با کنترل متغیر زمینه ای محل سکونت، از آزمون همبستگی جزئی استفاده شد:

جدول ۱۰. آزمون همبستگی جزئی با کنترل متغیر محل سکونت

متغیر	بیگانگی اجتماعی	سطح معناداری
فساد ادراک شده	۰/۸۵۸	۰/۰۰۰
محل سکونت	۰/۴۳۷	۰/۰۰۰
فساد ادراک شده * محل سکونت * بیگانگی اجتماعی	۰/۸۲۹	۰/۰۰۰

بر اساس جدول ۱۰، نتیجه آزمون همبستگی جزئی نشان می دهد همبستگی فساد ادراک شده بر بیگانگی اجتماعی قبل از کنترل اثر متغیر محل سکونت (۰/۸۵۸) می باشد، اما با کنترل اثر متغیر محل سکونت، اثر خالص فساد ادراک شده ۰/۸۲۹ تعیین شد. به عبارتی، در حالت عادی نقش فساد ادراک شده بر بیگانگی اجتماعی جوانان ۸۵ درصد بوده که با کنترل اثر متغیر محل سکونت، میزان اثر خالص به ۸۲ درصد رسیده است. باتوجه به سطح معناداری ضریب همبستگی جزئی ($P=0/000$) فرضیه ششم پژوهش مبنی بر تأثیر فساد ادراک شده بر بیگانگی اجتماعی جوانان با کنترل متغیر محل سکونت تأیید می شود.

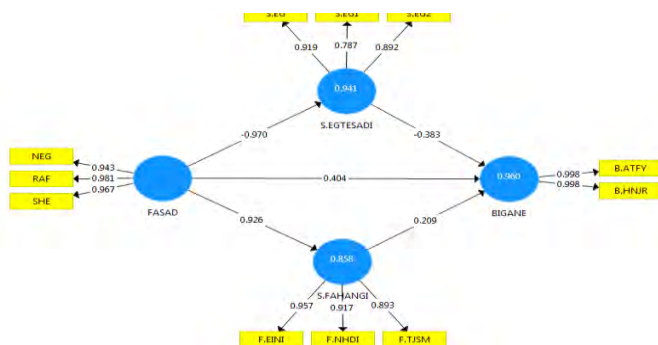
تحلیل مدل ساختاری داده های تجربی

برای تعیین برازش مدل ساختاری دو معیار R^2 و Z با نرم افزار Smart PLS محاسبه شد. باتوجه به شکل ۳، ضرایب R^2 نشان از تأثیر معنادار متغیرهای ملاک و مداخله گر (سرمایه های فرهنگی و اقتصادی) بر بیگانگی اجتماعی جوانان دارد؛ به طوری که تأثیر متغیر فساد ادراک شده (۰/۴۰۴) و سرمایه اقتصادی در حد قوی (-۰/۳۸۳) و سرمایه فرهنگی (۰/۲۰۹)، در حد متوسط می باشد. همچنین برای سنجش معناداری روابط، آماره Z با تکنیک بوت استرپینگ محاسبه شد:

جدول ۱۱. نتایج آزمون بوت استرپینگ

متغیر	M	Z	LL 2/5%	UL 97/5%	سطح معناداری
بیگانگی اجتماعی	۰/۵۶۵	۱۴/۷۷۱	۰/۴۸۳	۰/۳۳۰	۰/۰۰۰

باتوجه به مقدار آماره $Z(=14/771)$ که از $1/96$ بیشتر بوده و سطح معناداری آن $(P=0/000)$ و همچنین به دلیل قرار نداشتن حد پایین و حد بالای فواصل اطمینان در محدوده صفر، می توان با ۹۵ درصد اطمینان گفت مدل ساختاری از برازش مطلوبی برخوردار است.



شکل ۳. مدل ترسیم شده و ضرایب مسیر

جدول ۱۲. اثرات مستقیم، غیرمستقیم و اثر کل متغیرهای فساد ادراک شده، سرمایه فرهنگی و اقتصادی بر بیگانگی اجتماعی

بیگانگی اجتماعی		متغیرها
اثر کل	اثر غیر مستقیم	اثر مستقیم
۰/۹۶۹	۰/۴۰۴	فساد ادراک شده
	۰/۱۹۳	سرمایه فرهنگی
	۰/۳۷۲	سرمایه اقتصادی
	۰/۵۶۵	کل اثرات غیر مستقیم

براساس مقادیر جدول ۱۲، اثر مستقیم متغیر فساد ادراک شده $0/404$ بر آورد شد که با دخالت دو متغیر سرمایه های اقتصادی و فرهنگی اثر غیر مستقیم متغیر فساد ادراک شده $0/565$ تعیین شد. بنابراین کل اثرات متغیرهای وارد شده در تحلیل بر بیگانگی اجتماعی $0/969$ بر آورد شد.

بحث و نتیجه گیری

یافته ها حاکی از آن است که میانگین بیگانگی اجتماعی جوانان کمتر از حد متوسط است؛ بدین معنا که جوانان نسبت به قواعد و ساختار های جامعه بی اعتماد و بی تفاوت اند. همچنین نتایج آزمون فرضیه های پژوهش نشان داد که فساد ادراک شده در بیگانگی اجتماعی تأثیر دارد؛ بدین معنا که با افزایش میزان فساد ادراک شده، بیگانگی اجتماعی در بین جوانان افزایش می یابد. بنابراین نتایج این پژوهش در مورد تأثیر فساد ادراک شده در بیگانگی اجتماعی مؤید «نظریه انومی» دورکیم، مرتن، «نظریه امنیت وجودی» گیدنز و «تئوری ناکارآمدی نهادهای اجتماعی» پارسونز و روئستاین و نتایج تحقیقات رزم آهنگ و صادقی شاهدانی (۱۳۹۸)، دهقان و همکاران (۱۳۹۸)، فاضلی و جلیلی (۱۳۹۷) و سی. هومینگ (۲۰۱۸) است. لذا چنین استنباط می شود که جوانان به عنوان سرمایه انسانی در صورتی که احساس دل سردی و بی اعتمادی نسبت به ساختارهای حاکم و نگرش منفی به رفتارهای مسئولان و کارگزاران دولتی داشته باشند، ضمن کاهش تعلق خاطر به جامعه و ارزش های حاکم، نسبت به سرنوشت جامعه و خود نیز بی تفاوت و بیگانه خواهند شد.

با تحلیل فرضیه دوم و سوم پژوهش مبنی بر تأثیر فساد ادراک شده با مداخله متغیرهای سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی در بیگانگی اجتماعی جوانان مشخص شد با افزایش سرمایه فرهنگی تأثیر فساد ادراک شده بر بیگانگی افزایش می‌یابد، اما تأثیر سرمایه اقتصادی معکوس است. به عبارتی، سرمایه فرهنگی باعث می‌شود فساد ادراک شده جوانان به طور غیر مستقیم حدود ۲۸ درصد از اثرکل را تبیین نماید. اما نقش سرمایه اقتصادی در این تحلیل منفی است؛ به طوری که با دخالت سرمایه اقتصادی از میزان فساد ادراک شده و بیگانگی اجتماعی جوانان کاسته می‌شود. بنابراین یافته‌های این پژوهش یکی از پیش فرض‌های بوردیو (سرمایه فرهنگی) را در تعیین تضعیف «اعتماد تعمیم یافته» تأیید می‌کند؛ یعنی اگر سرمایه فرهنگی در جامعه بیشتر شود، سطح ادراک فساد بیشتر گردیده، جوانان بیشتر میل به بیگانگی اجتماعی خواهند داشت. مقایسه نتایج این پژوهش با یافته‌های دهقان و همکاران (۱۳۹۸) و ملقار و همکاران (۲۰۱۰) که رابطه بین فساد و سرمایه‌های اجتماعی را تأیید کرده بودند، همخوانی دارد.

همچنین نتایج نشان داد با کنترل متغیرهای جمعیت شناختی (جنسیت، تاهل و محل سکونت)، تأثیر فساد ادراک شده بر بیگانگی اجتماعی جوانان معنادار است و این متغیرها نقش جزئی در کاهش میزان تأثیر خالص دارند. نیز تحلیل مدل معادلات ساختاری نشان داد دو عامل سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی می‌توانند در نتیجه تأثیر فساد ادراک شده بر بیگانگی اجتماعی مؤثر باشند. به عبارتی، با وساطت متغیرهای سرمایه فرهنگی و اقتصادی، ادراک از فساد در بیگانگی اجتماعی تأثیرگذار است.

خلاصه اینکه، فساد ادراک شده عامل مهم و اساسی در شکل‌گیری و تقویت بیگانگی اجتماعی است که احساس محرومیت، ناامیدی به زندگی در جمع، یأس از همدلی و همکاری و برابری در توزیع امکانات و فرصت‌ها را به دنبال دارد. فرد با تجربه زیست خود فساد را درک می‌کند و با این پنداشت هر روز بیشتر از دیروز به اجتماع پیرامونش بی‌اعتماد می‌شود و با آگاهی از روند و شیوع فساد و تبعیض در جامعه و با علم به قانون‌گریزی‌ها و قانون‌ستیزی‌ها، خسته و فرتوت تسلیم سلطه ساختارهای بازتولیدکننده فساد و تبعیض می‌گردد. به قول مولانا:

پس بدان این اصل را ای اصل جو هرکه را درد است او بردست بو
هرکه او بیدارتر، پروردتر هرکه او آگاه تر، رخ زردتر

(مولوی، ۱۳۸۴: ۱/۶۲۹-۶۲۸)

بنابر یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود جهت اقتناع‌سازی عمومی به خصوص جوانان، فرایند رسیدگی به پرونده‌های فساد که به طور ویژه در افکار عمومی بازتاب دارد به صورت علنی برگزار و از طریق رسانه‌های جمعی به مردم اطلاع‌رسانی شود. باتوجه به نقش سرمایه فرهنگی در تأثیر فساد ادراک شده بر بیگانگی اجتماعی، زمینه مشارکت اقشار تحصیل‌کرده و روشنفکر جامعه در پیشگیری و مبارزه با فساد فراهم و از آگاهی کاذب مردم نسبت به روند و شیوع فساد اداری جلوگیری گردد. هرچند میزان بیگانگی اجتماعی در این پژوهش نسبتاً پایین بوده، اما جهت تقویت خودپنداره مثبت در جوانان زمینه لازم جهت مسئولیت‌پذیری و مشارکت آنها در انجمن‌ها، هیئت‌ها و سمن‌ها فراهم شود. برای نهادینه شدن فرهنگ عدالت‌طلبی و احترام به منافع عمومی، متولیان تربیتی از جمله آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و رسانه‌های جمعی در برنامه‌هایشان ترجیح منفعت عمومی بر نفع شخصی را بگنجانند. همچنین باتوجه به تأثیر ویژگی‌های قومی و خرده‌فرهنگ‌ها در برداشت از مسائل اجتماعی، پژوهشگران علاقمند نظیر همین پژوهش را با تأکید بر قومیت انجام دهند.

منابع

- استونز، راب. (۱۳۹۳). *متفکران جامعه شناسی*. مهرداد میردامادی. تهران: نشر مرکز
- امیرکافی، مهدی. (۱۳۹۳). «بررسی عوامل موثر بر تخلفات رانندگی موتورسواران (مطالعه‌ای در شهر کرمان)». *مجله مطالعات اجتماعی ایران*. ۸ (۲)، صص ۵-۳۵.
- دورکیم، امیل. (۱۳۸۴). *درباره تقسیم کار اجتماعی*. باقر پرهام. تهران: نشر مرکز
- دوگراف، خیالت و اخنار؛ پیتر، فون و مارافیک، پتریک. (۱۳۹۴). *چشم اندازهای نظری به فساد*. هانیه هژبر الساداتی، داود حسینی هاشم زاده، خلیل یاری و محمد فاضلی. تهران: انتشارات آگه
- دهقان، محسن؛ رحمانی فیروزجاه؛ علی. عباسی اسفنجیر، علی اصغر. (۱۳۹۸). «بررسی ارتباط و تأثیر ادراک فساد بر سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی: جمعیت شهری استان مازندران)». *فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی*. ۸ (۳۲).
- ربیعی، علی. (۱۳۸۳). *زنده باد فساد*. تهران: نشر سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- رزم آهنگ، مهدی و صادقی شاهدانی، مهدی. (۱۳۹۸). «واکاوی رابطه بین فساد عینی و ادراکی با مؤلفه اعتماد اجتماعی تعمیم یافته». *فصلنامه مجلس و راهبرد*. ۲۷ (۱۰۳)، صص ۳۰-۵۰.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۸۶). *سرطان اجتماعی فساد*. تهران: شرکت سهامی انتشار
- روئستاین، بو. (۱۳۹۳). *دام های اجتماعی و مسئله اعتماد*. محمد شارع پور، محمد فاضلی، لادن رهبری و سجاد فتاحی. تهران: انتشارات آگه
- شیخاوندی، داور. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل جمعیتی ایران*. تهران: نشر قطره
- صبوری، پرویز. (۱۳۹۷). «در برابر خشونت نمادین». *فصلنامه رشد علوم اجتماعی*. دوره ۲۰، شماره ۷۶.
- فاضلی، محمد و جلیلی، محدثه. (۱۳۹۷). «بررسی بین کشوری رابطه کیفیت حکومت، میزان فساد و سطح اعتماد نهادی و اجتماعی». *جامعه شناسی کاربردی*. ۷۰ (۲)، صص ۱۹۱-۲۱۰.
- فرج پور، مجید. (۱۳۸۳). *موانع توسعه؛ بررسی فقر، تبعیض و فساد*. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا
- قنبری برزبان، علی. (۱۳۹۴). «پژوهشی درخصوص مسئله شناسی جوانان ایران». *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*. ۳ (۴)، صص ۶۶۷-۶۹۶.
- گولد، جولیوس و کولب، ویلیام. (۱۳۷۶). *فرهنگ علوم اجتماعی*. باقر پرهام. تهران: مازیار
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۷). *تجدد و تشخیص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*. ناصر موفقیان. تهران: نشر نی
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۷). *جامعه شناسی*. منوچهر صبوری. تهران: نشر نی
- مارکوزه، هربرت. (۱۹۶۴). *خرد و انقلاب*. محسن ثلاثی. تهران: ثالث
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۱). «آسیب شناسی بیگانگی اجتماعی - فرهنگی: بررسی انزوای ارزشی در دانشگاه های تهران». *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*.
- مولوی بلخی، محمد. (۱۳۸۴). *مثنوی معنوی*. تهران: غزل
- وبر، ماکس. (۱۹۶۴). *مفاهیم اساسی جامعه شناسی*. احمد صدارتی. تهران: نشر مرکز
- Durkheim, Emile. (1979). "The Elementray Forms of Religious Life". London: Allen and Unwin
- Ferdenberg, Edgar. (1983). "Coming of Age in American". New York: Vintage books
- IMF. (2005). "The IMF's Approach to Promoting Good Governance and Combating Corruption: A Guide." Available at: www.imf.org/external/np/gov/guide/eng/index.htm / accessed 2012.9.26.

- Melgar, Atalia & Rossi, Maximo & Smith, Tom. (2010). **“The perception of corruption”**. International Journal of Public Opinion Research, Vol. 22
- Richey, Wachs. (2010). **“The Impact of Corruption on Social Trust”**. American Politics Research. Vol.12, pp: 1-15.
- Seeman, Melvin. (1959). **“On the Meaning of Alienation”**. American Sociological Review, No24: pp: 783-791.
- Gouvea, Raul & Shihong, Li & Gautam, Vora. (2019). **“Corruption and Levels of Economic Development: A Cross-Country Assessment with Special Reference to Africa”**. Publish in OALib Journal: 10.4236/me.2019.109130, PP. 2063-2084.

